



کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: «2: ای پسر انسان، بر ضد شبانان اسرائیل نبوت کن. آری، نبوت کرده، ایشان یعنی شبانان را بگو، خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: وای بر شبانان اسرائیل که خویشتن را می‌چرانند! آیا شبانان نباید گوسفندان را بچرانند؟ 3 شما سرشیر را می‌خورید و خود را به پشم می‌پوشانید و گوسفندان پروری را می‌کشید، اما گله را نمی‌چرانید! 4 ضعیفان را تقویت نکرده‌اید، مریضان را شفا نداده‌اید و شکستگان را شکسته‌بندی ننموده‌اید؛ رانده‌شدگان را بازنیاروده‌اید و گمشدگان را نجسته‌اید، بلکه به جور و ستم بر آنان حکم می‌رانید. 5 پس چون شبانی نیست، پراکنده شده‌اند و خوراک و حوش صحرا گردیده‌اند. 6 گوسفندان من پراکنده شده‌اند و بر تمامی کوهها و بر هر تل بلندی آواره گردیده‌اند. گوسفندان من بر تمامی روی زمین پراکنده شده‌اند و کسی نیست که در پی آنها باشد و آنها را بجوید. «7 پس، ای شبانان، کلام خداوند را بشنوید 8: خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: به حیات خودم قسم که چون گوسفندان من از بی‌شبانی به تاراج رفته و خوراک و حوش صحرا گشته‌اند، و چون شبانان من در پی گوسفندانم نرفته‌اند، بلکه خویشتن را چرانیده‌اند و نه گله مرا، 9 پس شما ای شبانان کلام خداوند را بشنوید 10! خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: هان من به ضد شبانان هستم و گوسفندانم را از دست ایشان خواهم طلبید و آنان را از چرانیدن گوسفندان برکنار خواهم کرد تا شبانان دیگر خویشتن را نچرانند! گوسفندانم را از دهان ایشان خواهم رهانید تا دیگر خوراک آنان نگردند». زیرا خداوندگار یهوه چنین می‌فرماید: هان من خود گله خویش را خواهم جست و از آنان نگهداری خواهم کرد 12. چنانکه شبانان آنگاه که در میان گوسفندان پراکنده خویش است از گله‌اش نگهداری می‌کند، و ایشان را بر کوههای اسرائیل و در وادیها و در همه نقاط مسکونی این سرزمین خواهم چرانید 14. آنان را در مرتعهای نیکو خواهم چرانید و کوههای بلند اسرائیل چراگاهشان خواهد بود. آنجا در چراگاههای نیکو خواهند آمد و در مرتعهای سرسبز بر کوههای اسرائیل خواهند چرید 15. خداوندگار یهوه می‌فرماید که من خود گوسفندانم را خواهم چرانید و من خود ایشان را خواهم خوابانید. خود در پی گمشدگان خواهم رفت و رانده‌شدگان را باز خواهم آورد، و شکسته‌ها را شکسته‌بندی کرده، بیماران را نیرو خواهم بخشید، اما فربهان و نیرومندان را هلاک خواهم ساخت. من عدالت و انصاف را به آنان خواهم چشانید.

یکشنبه امروز "شبان نیکو" نامیده می‌شود. جای تعجب نیست که یک روز برای شبان نیکو اختصاص داده شده است، زیرا تصویر شبانه‌های خوب بارها و بارها در سراسر کتاب مقدس ظاهر می‌شود. داوود، پادشاه مشهور، که مزامیر بسیاری نوشت، خودش یک چوپان بود. به عنوان مثال او مزمو ۲۳ را نوشت. از همان مزامیر این کلمات قابل اعتماد بیرون می‌آیند: "خداوند

شبان من است؛ محتاج به هیچ چیز نخواهم بود..". اگر به طور خلاصه به حرفه چنین چوپانی از دوران داوود نگاه کنیم ، می توانیم بهتر متوجه شویم منظور از این شبان نیکو چیست: اسرائیل در آن زمان چمن های سبز زیادی نداشت. به این دلیل بسیار مهم بود که چوپان در اواخر پاییز علف سبز پیدا کند. در اسرائیل هم آب زیادی نبود و وقتی گوسفندان آب کافی نداشته باشند، خیلی زود می میرند. بنابراین چوپان خوب باید اطمینان حاصل کند که گوسفندان در نزدیک آب می مانند. حیوانات وحشی خطرناکی نیز وجود داشتند و اغلب چوپانان مجبور بودند با در معرض خطر قرار دادن جان خود از گله های خود محافظت کنند. بعضی اوقات با استفاده از چوب یا با دست خالی بایستی از گله دفاع کنند. و از تمام این تجربیات ، پادشاه داوود مزبور ۲۳ را نوشت و خدا را با چنین چوپان خوبی مقایسه کرد: "در چراگاههای سرسبز مرا می خواباند؛ نزد آبهای آرامبخش رهبری ام می کند." خدا فقط چوپان خوب ما نیست او همچنین افرادی را به عنوان چوپان کوچک استخدام کرد. در خلقت ، خداوند آدم و حوا را نگاهیان همه آفریده ها معرفی کرد. در جامعه بشری نیز ما به چوپانان قابل اعتماد نیاز داریم. برای مثال چوپانان می توانند والدین ما باشند، یا معلم ما ، یا سیاستمداران و بسیاری دیگری نیز مسئولیت چوپانان را دارند. جالب است که انسان می تواند گوسفند و چوپان باشد. به عنوان مثال ، من به عنوان یک پدر ، چوپان فرزندانم هستم. بعداً ممکن است فرزندانم مجبور شوند در زمان پیری من، از من مراقبت کنند. به این ترتیب من به عنوان گوسفند والدینم شروع می کنم و بعدها چوپان فرزندانم می گردم و بالاخره دوباره به گوسفند فرزندانم تبدیل می شوم. انتظار از همه چوپانان این است که باید خوب باشند. مانند چوپانان اسرائیل باستان ، چوپانان باید مراقب مزارع سرسبز باشند. آنها باید تشخیص دهند چه چیزی برای گله شان بهتر است. در غیر این صورت ممکن است غذای کافی یا نوشیدنی برای گوسفندان وجود نداشته باشند. یا ممکن است که گوسفندان توسط حیوانات وحشی خورده شوند. امروز در متن خطبه ما ، چوپانانی توصیف شده اند که چوپان نیکو نبودند. آن چوپانان، چوپان واقعی نبوده اند ، فقط کسانی بوده اند که از مقام چوپان سو استفاده کرده اند تا خود را بنوازند. حزقیال نوشت: "وای بر شبانان اسرائیل که خویشتن را می چرانند! آیا شبانان نباید گوسفندان را بچرانند؟ شما سرشیر را می خورید و خود را به پشم می پوشانید و گوسفندان پروراری را می کشید، اما گله را نمی چرانید." به عبارت دیگر ، این چوپانان، چوپان واقعی نبودند اما گوسفندانی بودند که وانمود می کردند چوپانند تا بهترین غذا را در یافت کنند. باید ذات گوسفندان را بهتر بشناسیم تا بتوانیم معنای کلام حزقیال را بهتر درک کنیم ،. گوسفندان به طور طبیعی خودخواه هستند. هر کسی که تا به حال آنها را وقت آب نوشیدن دیده باشد دقیقاً منظور من را درک خواهد کرد: در آنجا آدم می تواند یک صحنه کاملاً خودخواهانه ای را از گوسفندان ببیند. زیرا آن گوسفندانی که در ابتدا وارد آب می شوند شروع به نوشیدن آب می کنند ولی همزمان آب پشت سرشان را نیز الوده می کنند و به آن فکر نمی کنند که دیگر گوسفندان نیز باید از آن آب بخورند. آنها فقط از آن آبی که می نوشند خوشحال اند. عملی که آن گوسفند اول انجام می دهد این را نشان می دهد که دیگر گوسفندان برای او اهمیتی ندارند. ما می توانیم این موضوع را در مثال های زیادی بین ما انسان ها ببینیم. و این دقیقاً همان معنای کلام حزقیال است که می گوید ، "شما خودتان را سیر کرده اید." متأسفانه ، نمونه های بسیاری از عمل گوسفندان در تاریخ بشر می شناسیم. برای مثال کشورهای ثروتمند بهترین واکسن ها را علیه کرونا تهیه می کنند و کشورهای فقیر واکسن کثیف به دست می آورند. و این فقط یک مثال است. اما ما امروز نمی خواهیم تنها سیاستمداران و دیگران را سرزنش کنیم ، حتی با وجود که مطمئناً می توانیم آن کار را انجام دهیم. در عوض ، باید از خودمان پرسیم کجا به عنوان چوپان برای دیگران فراخوانده می شویم؟ کجا افرادی هستند که خدا سر راه ما قرار داده است تا ما بتوانیم برای آنها چوپان باشیم؟ کجا افرادی هستند که عیسی ما را برای کمک آنها اختصاص داده است؟ از آنجا که ما از خانواده ، خانه و تربیت خوب بهره برده ایم ، مانند گوسفندانی هستیم که در ردیف اول می ایستیم و اجازه داریم آب زلال بنوشیم. اما در اطراف ما افراد زیادی هستند که آن فرصت خوب را نداشته اند. افراد ناراضی ، افراد ناامید ، الکلی ها ، معتادان به مواد مخدر و دیگران ، ... اینها همه افرادی هستند که به مراقبت ما احتیاج دارند. مهمترین مشتری های عیسی چنین افرادی بودند. چرا ما اهمیتی نمی دهیم؟! وقت نداریم! نمی خواهیم اذیت شویم! بیشتر اوقات، حتی مشکلات بیرونی نیستند که سر راه ما قرار می گیرند و چالش های دشواری برای ما ایجاد می کنند گاهی اعضای خانواده خود ما هستند که به کمک ما احتیاج دارند. چرا به مسئولیت چوپانی برای زن و یا شوهرم توجه نداشتیم؟ آیا من فقط آنها را برای علاقه شخصی خود می خواستم؟ مثل گوسفندان کنار آب. فقط احساسات همسر را زیر پا گذاشتم و همه چیز را مثل گله گوسفندان نابود کردم؟ و چطور با فرزندانم رفتار کردم؟ آیا آنها باید تنها یک جواهر زیبا در خانه من باشند و نه چیزی دیگری؟ چقدر وقت و مراقبت برای فرزندانم داشته ام؟ این لیست ادامه دارد. آیا سخنانم مانند تیر به قلب همسایه ام فرو رفته و شخصیت او را نابود کرد. یا اینکه کلمات من از آنها دفاع کرد و از خوبی های شان صحبت کرد و نسبت به آنها خوش بین بود. من در ابتدا گفتم که نقش چوپان و گوسفنداها یک کنش متقابل است. گاهی چوپان هستیم ، گاهی گوسفند هستیم. مشکلی که حزقیال امروز در متن ما توصیف می کند این است که در آن زمان اصلاً چوپانی نبود. چقدر جامعه فقیر است زمانی که هیچ چوپانی وجود ندارد ، فقط کسانی هستند که همیشه بهترین مقام را برای خودشان می خواهند. و به همین دلیل گوسفندان لباس چوپان به تن گرفتند تا بهترین نتیجه را برای خودشان به دست آورند! آنها چوپان نبودند ، فقط گوسفندانی بودند که می خواستند در ردیف اول قرار بگیرند. با این حال ، مشکل اساسی این بود که اصلاً چوپانی در کار نبود. و به همین دلیل هرج و مرج ایجاد شد. اکنون می توان پرسید چرا کل گله گوسفندان به خود و دیگران اجازه داده اند چنین فاجعه بار فریب بخورند. پاسخ این سوال را در ذات گوسفندان پیدا می کنیم. زیرا آنها بسیار احمق هستند. ما انسانها در مورد مهمترین موضوع زندگی دقیقاً مانند گوسفندان هستیم. من نمی خواهم بگویم که همه مردم احمق هستند. ما انسان ها با علم و توانایی خود ثابت کرده ایم که در بعضی موارد بسیار باهوش هستیم. با این حال ، وقتی به سوالات معنوی می رسیم ، ما بسیار احمق هستیم. ما مثل گوسفند احمق هستیم و از کسی که می خواهد از ما محافظت کند فرار می کنیم تا گرگ ها را پیروی کنیم و چوپانان نیکو و آفرینندگان جانمان را ترک می کنیم! با این حال خدا ما را ترک نکرد اما عیسی را به ما فرستاد. با این کار خدا به ما نشان می دهد که چوپان نیکو هنوز وجود دارد. چوپانی که می

توانیم به او اعتماد داشته باشیم زیرا او جان خود را برای ما می دهد. اما با دادن جان خود برای ما ، عیسی جامه ی گوسفند به خود پوشید. بنابراین ، هر بار قبل از عشای ربانی ، آواز می خوانیم "مسیح تو بره خدا ... به ما رحم کن". طبق کتاب مقدس ، چوپان بزرگ ما ، عیسی ، همزمان بره و چوپان است. در عین حال الگوی گله خدا به ما نشان داده می شود. وقتی چوپان خوب در میان ما و درون ما نباشد ، ما انسانها مانند گله ای هستیم بدون چوپان که بی خبر و بی هدف در اطراف سرگردان می گردیم. همچنین هیچ ایده ای نداریم که چه چیزی برای ما مناسب و درست است. اگر چوپان نیکو ، عیسی مسیح را نداشته باشیم ، نه تنها گم شده ایم، بلکه زندگی ما منجر به مسیری ناقص و مخرب می شود که هیچ ارتباطی با چوپان خوب واقعی ندارد.

حزقیال امروز سخنان بسیار تسلی بخشی برای ما می گوید: خدا می گوید: "من خودم می خواهم چوپان تو شوم!" خدا چگونه این کار را می کند؟ او به واسطه عیسی مسیح ، که برای ما مرد و زنده شد ، به ما نشان می دهد که خود، چوپان نیکو است. و همین عیسی است که به پطرس بعد از انکار خودش می گوید: "گوسفندان من را تغذیه کن!" به پطرس اجازه داده شده بود که اداره امور را همیشه در ارتباط با عیسی انجام دهد.. او همیشه همزمان چوپان و گوسفند خواهد بود! پطرس همیشه گوسفند چوپان واقعی ، عیسی مسیح ماند! و این دقیقاً همان کاری است که همه ما مجاز به انجام آن هستیم! از طریق عیسی مسیح اعتماد در یافت می کنیم که می توانیم به دیگران کمک کنیم. با دانستن این که عیسی هرگز گوسفندان خود را تنها نمی گذارد ، اطمینان می یابیم که از روی توان او و عشق او عمل می کنیم. و حتی اگر مرتباً مرتکب اشتباه شویم می توانیم این کار را انجام دهیم.

«من به عنوان یک چوپان همیشه می توانم همزمان گوسفند عیسی بمانم!» « آمین